

## **The necessity of compiling a national encyclopedia: obstacles and perspectives**

**Abdolhossein Azarang\***

### **Abstract**

The compilation and publication of a national encyclopedia, which can document the most basic cultural, civilizational, historical, and identity aspects of a country, is one of the requirements and priorities of the national and cultural policy of any country. Encyclopedias and all basic reference sources are indicative signs of life and intellectual, cultural, scientific, and other fields and activities. Those who have equated encyclopedias and other types of reference sources with the national flag and anthem have neither exaggerated nor overvalued. The fact that our country has not compiled and published a national encyclopedia so far-while it has had the necessary capacity for this important task-is one of the shortcomings that can be compensated as soon as possible in the interest of our national culture. At present, there exists the necessary task-force with insight, vision, expertise, scientific-technical ability, and foresight necessary to compile and publish a national encyclopedia that properly shows all of the cultural-civilizational aspects of our country, one that is at the same time free from any national and ethnic prejudice and is based on international encyclopedic standards and criteria observed in international encyclopedias; Only a national will is needed to achieve this great goal.

**Keywords:** National Encyclopedia; National identity; Persian encyclopedias; Encyclopedia in the Qajar era; Encyclopedia perspective.

---

\* Author, translator, and editor, a researcher in the field of books and publishing, member of the Scientific Council of the Encyclopedia of Iran, member of the faculty of the Great Islamic Encyclopedia, abdazar@gmail.com

Date received: 2019.01.13      Date of acceptance: 2020.09.20

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article . This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons , PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ضرورت تدوین دانشنامه ملی: موانع و چشم‌اندازها

عبدالحسین آذرنگ\*

### چکیده

تدوین و انتشار دانشنامه ملی، که بتواند اساسی‌ترین وجوه فرهنگی، تمدنی، تاریخی و هویتی کشوری را به‌طور مستند و مستدل نشان دهد، از الزامات و اولویت‌های سیاست ملی و فرهنگی هر کشوری است. دانشنامه‌ها و همه منابع مرجع بنیادی، به منزله نشانه‌های گویایی از حیات و تکاپوی فکری، فرهنگی، علمی و زمینه‌ها و فعالیت‌های دیگر است. کسانی که دانشنامه‌ها و سایر گونه‌های منابع بنیادی، را با پرچم و سرود ملی هم‌تراز دانسته‌اند، نه غلو کرده‌اند و نه به راه مبالغه رفته‌اند. اینکه کشور ما تاکنون نتوانسته است دانشنامه‌ای ملی تدوین و منتشر کند - آن هم در حالی که توان لازم برای این وظیفه مهم را داشته است - از جمله قصور و تقصیرهایی است که جبران هرچه زودتر آن به سود فرهنگ ملی ماست. در حال حاضر نیروی لازم با بینش، نگرش، تخصص، توان علمی - فنی و آینده‌نگری لازم برای تدوین و انتشار دانشنامه‌ای که همه ابعاد فرهنگی - تمدنی کشور ما را به نحو شایسته نشان دهد و در عین مبرا بودن، از هرگونه تعصب ملی - قومی، بر پایه موازین بین‌المللی دانشنامه‌نگاری و ضوابط مراعات شده در دانشنامه‌های بین‌المللی استوار باشد، موجود است؛ فقط اراده‌ای ملی لازم است که این هدف بزرگ را به تحقق برساند.

**کلیدواژه‌ها:** دانشنامه ملی؛ هویت ملی؛ دانشنامه‌های فارسی؛ دانشنامه‌نگاری در عصر قاجار؛ چشم‌انداز دانشنامه‌نگاری.

\* نویسنده، مترجم و ویراستار، پژوهشگر حوزه کتاب و نشر، عضو شورای علمی دانشنامه ایران، عضو هیئت علمی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، abdazar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰

## ۱. مقدمه

شاید نخست از همه درباره صفت «ملّی» در عنوان این نوشته توضیحی لازم باشد، چون احتمال سوء برداشت یا تفاوت برداشت هست. مراد از این صفت، ملّی‌گرایی (ناسیونالیسم) یا برداشت‌های سیاسی دیگری از این دست در میان نیست، بلکه انتساب به واحدی جغرافیایی مدنظر است که ملّتی متشکل از آحاد خود، از همه اقوام، گروه‌های مختلف با زبان‌ها، گویش‌ها و معتقدات و آداب و رسوم و شیوه‌های متفاوت زیست، در آن واحد به سر می‌برند و وجه اشتراک آن‌ها سرنوشتی مشترک طی تاریخ، پیوندهای زبانی، فرهنگی، تمدنی و دیگر عامل‌های برقرارکننده پیوستگی است. از آن‌جا که پهنه جغرافیای فرهنگی کشور ما ایران، از دامنه جغرافیای سیاسی آن به مراتب گسترده‌تر است، و گستره زبان فارسی هم بسی فراتر از مرزهای کنونی سیاسی است، لاجرم اجزایی که انتخاب و در اثری مرجع مانند دانشنامه گنجانده شود، بیش از اجزایی است که در منابع دیگر گنجانده می‌شود. در نظر داشتن همه اجزای فرهنگی، نه نشانه‌ای از گرایش توسعه طلبانه و افزون‌خواه، بلکه تأکیدی بر شناخت بهتر مرتبط‌ها و یافتن رشته‌های پیوند فرهنگی و تمدنی است. این نکته نه تنها درباره ایران، بلکه درباره همه سرزمین‌هایی که روزگاری مهد تمدن و فرهنگ بوده‌اند، مانند بین‌النهرین، مصر، هند، چین، یونان و نظایر آن نیز صادق است.

## ۲. زمینه تاریخی

تدوین دانشنامه به زبان فارسی، یا به زبان دیگری مانند عربی، در محدوده‌ای فرهنگی و جغرافیایی که محدوده ایران کنونی در آن جای می‌گیرد، سنتی دیرینه‌سال دارد که اشاره به آن در اینجا لازم نیست و در مقاله‌های دیگر همین نشریه به آن‌ها پرداخته می‌شود. فارسی‌زبان‌ها و ایرانیان باسواد از دیرباز با منابع دانشنامه‌ای و دانشنامه‌وار کم‌وبیش آشنایی داشته‌اند. در عصر جدید و پس از ورود مدرنیته و مظاهر مدرنیته به ایران هم دست‌کم خواص با دانشنامه‌هایی که به شیوه جدید در غرب تدوین می‌شد و انتشار می‌یافت، آشنایی داشته‌اند. گفته شده است که عباس میرزا نایب السلطنه قاجار (۱۱۶۷-۱۲۱۲ ه.ش/۱۲۰۳-۱۲۴۹ ق) نسخه‌ای از دانشنامه بریتانیکا را در مجموعه کتاب‌هایش

### ضرورت تدوین دانشنامه ملی: موانع و چشم‌اندازها (عبدالحسین آذرنگ) / ۵

داشته و با اندک آشنایی‌اش با زبان انگلیسی گاه به آن مراجعه می‌کرده و بیشتر مطالب فنی و نظامی آن را می‌دیده است. حتی چند مقاله از همان دانشنامه در همان دوره او به زبان فارسی ترجمه شده است.<sup>[۱]</sup>

حاج میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه قاجار، زمانی که سفیری را به فرانسه فرستاد، به او دستور داد کتاب‌هایی را بر پایه صورتی که تهیه شده بود، در پاریس بخرد و به ایران بفرستد. در میان این کتاب‌ها دو دانشنامه و چند فرهنگ عمومی و تخصصی هم بوده است.<sup>[۲]</sup> میرزا تقی خان امیرکبیر در دوره صدارتش (۱۲۲۷-۱۲۳۰ ه.ش/ ۱۲۶۴-۱۲۶۷ ق) دستور داد منابعی را از فرنگ بخرند و به ایران بفرستند که بیشتر آنها منابع مرجع و معتبر در زمینه‌های مختلف بود. او بر ترجمه آن منابع به زبان فارسی توجه اکید داشت.<sup>[۳]</sup>

پس از تأسیس دوره‌های آموزش عالی در ایران و تأسیس مدرسه‌هایی برای این آموزش در عصر قاجار و دوره پهلوی اول، مانند دارالفنون، مدرسه سیاسی، حقوق، فلاح، دانشسرای عالی، و دانشگاه تهران، آشنایی با شمار بیشتری از منابع مرجع، از جمله کاربرد دانشنامه‌ها، افزایش یافت. دانشجویان اعزامی به خارج نیز در دانشگاه‌های غرب از نزدیک با کاربرد این گونه منابع آشنا شدند. خلاصه اینکه گسترش دامنه این آشنایی‌ها، اندیشه‌های خام و اولیه تدوین دانشنامه‌ای به زبان فارسی را به میان آورد که نشانه‌هایی از آن در عصر قاجار، در دارالترجمه ناصری، در دارالفنون و در وزارت معارف دیده می‌شود. پس از آن دوره هم چندین کوشش در این راه به عمل آمد، اما چرا همه این کوشش‌ها به سرانجام دلخواه نرسید و دانشنامه‌ای ملی در ایران تدوین نیافت، شاید داستان پر آب چشمی باشد که آسیب‌شناسی آن بتواند به کوشندگان دیگر یاری برساند تا در آینده آشناتر از پیش با تجربه‌ها و آگاهانه‌تر در این راه گام بردارند.

### ۳. نخستین گام‌ها: دستاوردها و ناکامی‌ها

#### ۱.۳ نامه دانشوران

اثری دانشنامه‌وار، به سرپرستی علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه (۱۱۹۸-۱۲۶۰ ه.ش/ ۱۲۳۴-۱۲۹۸ ق)، به ترتیب الفبایی در ۷ مجلد، که به صورت ناقص در عصر ناصری و مظفری

انتشار یافت. این اثر، نخستین فعالیت دانشنامه‌نگارانه به سبک جدید در ایران به شمار می‌آید. مجلد نخست در ۱۲۵۸ ه.ش/۱۲۹۶ق و آخرین مجلد آن پس از حدود ۲۸ سال در ۱۲۸۵ ه.ش/۱۳۲۴ق انتشار یافت. بقیه مجلدات تدوین شده به صورت دست‌نوشته باقی ماند و مشکلات سال‌های پایانی حکومت قاجارها، مجالی برای انتشار سایر مجلدات باقی نگذاشت.<sup>[۴]</sup>

جدا از کاستی‌ها و ناآشنایی با شیوه‌های فنی کار، که در این گام نخست در عرصه دانشنامه‌نگاری به چشم می‌خورد، چند نکته شایسته توجه است که به بحث ما در این نوشته بیشتر ارتباط دارد و اجمالاً به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) نامه دانشوران با حمایت مالی و سیاسی خود ناصرالدین‌شاه به راه افتاد. هیچ‌یک از ناشران خصوصی که شمارشان در آن زمان بسیار اندک بود و فعالیت‌های چاپی و انتشاراتی آن‌ها از هم تفکیک نشده بود، توان مالی و سایر امکانات لازم برای تدوین و انتشار چنین اثری را نداشتند.

ب) ناصرالدین‌شاه اعتضادالسلطنه را مأمور تدوین و انتشار این اثر دانشنامه‌وار کرد که صاحب منصب و نفوذ بود. او پسر فتحعلی‌شاه، عمو و از محارم ناصرالدین‌شاه، مردی اهل فضل و شعر و ادب، وزیر علوم، رئیس مدرسه دارالفنون، آشنا با چاپ و انتشار و درعین حال، خود دست‌به‌قلم و مؤلف هم بود و می‌توانست با هریک از رجال و مسئولان و مأموران دولتی و اهل تحقیق و تألیف ارتباط لازم را برقرار کند. در مجموع او شرایط مناسب برای سرپرستی کتابی مرجع را دارا بود؛ از دستاوردهای غربی هم بی‌اطلاع نبود.<sup>[۵]</sup> این توانایی‌ها و امکانات او به سود تدوین و انتشار اثری مرجع تمام می‌شد که مانند همه آثار مرجع، نیروبر، زمان‌بر و هزینه‌بر بود، اما دو مجلد از نامه دانشوران که انتشار یافت، اعتضادالسلطنه درگذشت و مسئولیت ادامه کار به میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه (۱۲۲۲-۱۲۷۴ ه.ش/۱۲۵۹-۱۳۱۳ق) سپرده شد که او هم اهل علم و قلم، وزیر، رئیس دارالترجمه ناصری، و از پشتیبانی حکومتی و نفوذ کافی هم بهره‌مند بود. همچنین منابع فرنگی مربوط به کارش را نیز معمولاً خوب می‌شناخت.<sup>[۶]</sup>

پ) اعتضادالسلطنه چندین تن از کسانی را که می‌توانستند در زمینه‌های مختلف برای نامه دانشوران مقاله بنویسند، گردهم آورد و با همکاری آن‌ها دستور العمل، یا به

## ضرورت تدوین دانشنامه ملی: موانع و چشم‌اندازها (عبدالحسین آذرنگ) / ۷

اصطلاح امروز شیوه نامه کار و راهنمای تدوین را تهیه کرد و هسته گردانندگان و امور اداری و جاری لازم برای کار را سازمان داد.

ت) اعتضادالسلطنه و همکارانش متوجه شده بودند که بخشی از اطلاعات لازم برای نامه دانشوران، اطلاعات محلی و شفاهی است که گردآوری آنها بدون همکاری صاحب منصبان و افراد بانفوذ و معتبر محلی امکان پذیر نیست، نکته مهمی که در همه دانشنامه‌های ملی در هر کجای جهان که باشد، جدا از ویژگی‌های سیاسی، نمی‌توان از نظر دور داشت.

اعتضادالسلطنه با جمع کردن امکانات و حمایت دولتی، استفاده از نفوذ شخصی خود، گروه همکاران کاردان و سایر پشتیبانی‌ها توانست نخستین گام را در تدوین اثری بردارد که بخشی از ویژگی‌های دانشنامه ملی را دارا بود. با این حال، کوشش‌های او به هدف اصلی خود، که همانا انتشار اثر به‌طور کامل در دوره زمانی معین باشد، نرسید. شاید بتوان علت‌های این ناکامیابی را از دیدگاه آسیب‌شناسی تدوین و انتشار آثار سترگ در کشورهای در حال توسعه، به این شرح دسته‌بندی کرد:

اعتضادالسلطنه تقریباً در ۶۰ سالگی (با احتساب سال قمری) به سرپرستی نامه دانشوران منصوب شد و در ۶۴ سالگی درگذشت، یعنی به فرض اینکه تا روز آخر عمرش قادر به کار بوده باشد، حدود ۴ سال این مسئولیت را برعهده داشته است، مدت زمانی که برای برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های دانشنامه‌ای کافی نیست.

هیچ نشانه‌ای در دست نیست که اعتضادالسلطنه کسی را برای جانشینی خود آماده یا تربیت کرده باشد، نقضی که در همه جامعه‌های فردمحور دیده می‌شود، و عیبی که برای اجرای طرح‌های بلندمدت به منزله آفت است. ژان دالامبر (۱۰۹۵-۱۱۶۱ ه.ش/۱۷۱۷-۱۷۸۳ م) دستیار دنی دیدرو (۱۰۹۱-۱۱۶۲ ه.ش/۱۷۱۳-۱۷۸۴ م) در آنسیکلوپدی، دانشنامه فرانسوی در سده یازدهم هجری شمسی / هجدهم میلادی و یکی از عوامل‌های انقلاب فرانسه در ۱۱۶۷ ه.ش/۱۷۸۹ م. بود؛ فیلسوف و عالمی با استعدادها و توانایی‌های درخشان. اگر مشکلی برای دیدرو پیش می‌آمد، دالامبر به راحتی می‌توانست کارهای دانشنامه را به پیش ببرد.

پس از درگذشت اعتضادالسلطنه، همان‌طور که اشاره شد، وظیفه سرپرستی نامه دانشوران را به اعتمادالسلطنه سپردند که گرچه توانایی‌های بسیاری داشت، اما بیرون از

ساختار دانشنامه بود، که این هم به سهم خود از مانع‌های شکل‌گرفتن و تداوم سنت در کار است.

دست اندرکاران نامه دانشوران درباره دوره زمانی تدوین و انتشار این اثر برآورد دقیق و واقع‌بینانه‌ای نداشتند. می‌توان پذیرفت که در تجربه نخست از این‌گونه خبط و خطاها ممکن است رخ بدهد، اما تجربه‌های مکرر طی سال‌های بعد و در دانشنامه‌های دیگر هم نشان داد که مکتوب نکردن تجربیات و انتقال نیافتن تجربه‌ها از نسلی به نسلی دیگر، لاجرم به تکرار زیان‌آور تجربه و هدررفتن زمان و هزینه‌های کلان می‌انجامد.

نشانه‌ای از آینده‌نگری و محاسبه وقوع رویدادها و تغییر و تحولات در کار گردانندگان نامه دانشوران دیده نمی‌شود، آن هم در ساختاری از قدرت که همه چیز به کاکل سلطان مطلق العنان وابسته است. گو این که اعتمادالسلطنه مقتدر و مدیر فرهنگی کاردان که درگذشت، ناصرالدین شاه که به قتل رسید، مظفردالدین میرزای بی‌رغبت به فعالیت‌های فرهنگی و انتشاراتی که بر سر کار آمد، رشته این‌گونه امور هم گسیخت. بعد هم رویدادهای جنبش و انقلاب مشروطه، بحران‌های پس از آن و سرانجام سقوط سلسله قاجار، این طرح بلندمدت فرهنگی را ناتمام گذاشت.

درنهایت، این نخستین شکست در راه تدوین اثری بود که می‌توانست بخشی از دانشنامه ملی را تشکیل دهد.

### ۲.۳ لغت‌نامه

تدوین این اثر، که به «لغت‌نامه دهخدا» هم معروف است، از جست‌وجوها و کوشش‌های شخصی علی‌اکبر دهخدا (۱۲۵۸-۱۳۳۴ه.ش/۱۸۸۰-۱۹۵۶م) آغاز شد. لغت‌نامه، آمیزه‌ای است از واژه‌نامه‌ای تفصیلی و دانشنامه‌ای همگانی که پس از چند کوشش ناموفق، یک مجلد آن در پی زحمات بسیار در ۱۳۱۹ه.ش/۱۹۴۱م انتشار یافت. سرانجام براساس مصوبات مجلس شورای ملی در ۱۳۲۴ه.ش/۱۹۴۶م و ۱۳۲۵ه.ش/۱۹۴۷م، دولت موظف شد هزینه تدوین و انتشار این اثر تفصیلی را تأمین کند. مسئولیت نظارت دولتی بر آن چند بار تغییر کرد تا بالاخره تشکیلات لغت‌نامه به سازمانی با نام موسسه لغت‌نامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی تبدیل شد و اکنون هم فعالیت آن در چند زمینه ادامه دارد.<sup>[۷]</sup>



## ضرورت تدوین دانشنامه ملی: موانع و چشم‌اندازها (عبدالحسین آذرنگ) / ۹

تدوین لغت‌نامه با کوشش شخصی خود دهخدا و مقارن با جنگ جهانی اول (۱۲۹۲-۱۲۹۶ ه.ش/۱۹۱۴-۱۹۱۸ م.) آغاز شد و تا انتشار آخرین مجلد از ویراست نخست آن در ۱۳۵۹ ه.ش/۱۹۸۱ م، بیش از ۶۰ سال گذشت. این اثر به دلایلی چند در شمار طرح‌های ملی است. هدف بلند، دامنه گسترده، عزم و پیگیری بانی، شمار فراوان همکاران از میان برجسته‌ترین ادیبان، پژوهشگران، صاحب‌نظران، متخصصان، و اعتقاد، صمیمیت، تلاش، نیرو و مدت زمانی که بر سر این کار گذاشته شده، در نوع خود کم‌نظیر است. این طرح ملی قرار بود که بازتابی از فرهنگ ملی و یافته‌های دانش و پژوهش در عرصه زبان فارسی باشد. هر آنچه مابه‌ازایی به صورت واژه یا نام خاص در زبان فارسی داشت، در دامنه شمول این طرح بلندپروازانه قرار می‌گرفت. قرار بر این بود که هیچ واژه به کار رفته در متون فارسی نباشد که لغت‌نامه آن را نشناسد، استخراج نکند و در دفترهای خود نیاورد. افزون‌براین، هیچ شخصیت نامور، یا شهر و روستایی در ایران زمین، و حتی در قلمرو ایران فرهنگی، نباید از نظر دور می‌ماند. مشاهیر غیرایرانی بسیاری در زمینه‌های مختلف، که معمولاً آنها را در دانشنامه‌ها معرفی می‌کنند، به صرف این که نام فارسی شده آنها در منابعی، اعم از کتاب و نشریه آمده است، باید در لغت‌نامه معرفی می‌شدند. برای بعضی از آنها مقاله چند سطر نوشته شده است و برای بعضی دیگر چندستونی و حتی چندصفحه‌ای. این رهیافت سرچشمه گرفته از حسن نیت، از سر نیک خواهی و از فرط علاقه به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، به چند علت، به ویژه بر اثر ناآشنایی به شیوه‌های فنی کار، به نتیجه مطلوب نرسید. به علت‌های آن اجمالاً اشاره می‌شود:

(۱) با این که دهخدا با زبان و واژه‌نامه‌های فرانسوی آشنایی داشت و اصولی از فرهنگ‌نگاری را از راه بررسی آن منابع گرتنه‌برداری کرده بود، اما راهبرد جامعی تدوین نکرد که لغت‌نامه از چارچوب اصلی آن بیرون نزنند.

(۲) دهخدا در میانه راه درگذشت و بر اثر تغییر یافتن مسئولیت نظارت و واگذاری آن به افرادی با سلیقه‌ها و رویکردهای متفاوت، تشتت در روش‌های کار پدیدار شد.

(۳) در باب جنبه واژه‌نامه‌ای این اثر به‌ویژه میان رویکرد واژه‌شناسان، ادیبان و زبان‌شناسان اختلاف نظر هست. وارد این بحث نمی‌شوم، چون فرهنگ‌نگاری

در حوزه تخصصی نگارنده نیست و تأکید در اینجا فقط بر جنبه دانشنامه‌نگاری است.<sup>[۸]</sup>

۴) دقت، صحت، اعتبار، کاربرد، عمر کاربرد (به‌ویژه در زمینه‌های مختلف)، تناسب و هماهنگی مدخل‌ها و تعریف‌ها، سودمندی، استفاده‌های پژوهشی و نظایر آن، از اصلی‌ترین شاخص‌های موفقیت هر منبع مرجعی است. بررسی استفاده از لغت‌نامه، دست‌کم در چند بخش مرجع در کتابخانه‌های پرمراجع نشان خواهد داد که از این منبع در مقایسه با واژه‌نامه‌های جدیدتر فارسی به چه میزان استفاده می‌شود و استفاده از آن در چه زمینه‌هایی و برای چه مقاصدی است. بی‌تردید یادداشت‌های خود دهخدا و کوشش‌های همکاران او برای یافتن شاهدها از میان متون نثر و نظم ارزش خود را در زمینه پژوهش‌های ادبی حفظ کرده است.

۵) پیش‌بینی نکردن تحولات آینده، بی‌اطلاعی از، یا بی‌توجهی به دستاوردهای پیشرفته جهان در عرصه‌های فرهنگ‌نویسی، از مؤثرترین عامل‌ها در کوتاهی عمر کاربرد اثر است.

۶) جنبه دانشنامه‌وار لغت‌نامه، پرعیب و نقص‌ترین جنبه آن است. گویاترین دلیل آن بی‌استفاده ماندن این بخش در گذر زمان است؛ برای مثال، بسیار بعید است که جوینده‌ای برای اطلاع از زندگی نامه موسیقی‌دانان فرنگی به لغت‌نامه رجوع کند. اگر چهار مدخل «باخ»، «بتهوون»، «چایکوفسکی»، و «موزار» - البته ضبط درست موتسارت است - در لغت‌نامه با هم مقایسه شود، معلوم خواهد شد که:

- تناسب و هماهنگی میان مدخل‌ها وجود ندارد؛

- اصول ضبط مأخذ مراعات نشده است؛

- سامانه واحدی برای تعریف دیده نمی‌شود؛

- بی‌اطلاعی از منابع خارجی برای ترجمه زندگی‌نامه‌ها و تشتت در روش در دوره‌های مختلف تدوین لغت‌نامه، گذشته از ایجاد نایکدستی، این خطا را - از باب نمونه - به بار آورده که حجم مقاله مربوط به باخ بیش از ده‌ها برابر مقاله بتهوون و موتسارت است.

### ضرورت تدوین دانشنامه ملی: موانع و چشم‌اندازها (عبدالحسین آذرنگ) / ۱۱

خطای بس بزرگ تر هم اینکه مقاله مربوط به باخ قبلاً در مجله‌ای فارسی چاپ شده و با همان ساختار نشریه‌ای عیناً در کتاب مرجع بازچاپ شده است.<sup>[۹]</sup>

(۷) اگر گردانندگان لغت نامه حتی دانشنامه مختصر و معتبری را مبنا قرار می‌دادند و مدخل‌های غیرایرانی لازم را از آن عیناً به فارسی ترجمه می‌کردند، تشتتی که در همه حوزه‌ها به چشم می‌خورد، از تاریخ و ادب و فلسفه و علم گرفته تا دیگر رشته‌ها، از میان می‌رفت. ناآشنایی با این اصل ابتدایی سبب شده است که بخش دانشنامه‌وار لغت‌نامه ارزش کاربردی خود را حتی در کوتاه‌زمان هم از دست بدهد.

(۸) نداشتن آینده‌نگری و توجه نکردن به ضرورت بازنگری و روزآمد کردن اطلاعات در کتاب مرجع موجب شده است که اطلاعات کهنه شده یا منسوخ، مانعی بر سر راه مراجعه و استفاده از سایر بخش‌های اثر شود، آفتی که بر آفت‌های دیگر لغت‌نامه مزید شده است.

(۹) تربیت نیرو در خلال کار بر پایه برنامه‌ای مدوّن، و به‌هنگام کردن اطلاعات و دانش فنی اعضای هسته اصلی گردانندگان کتاب مرجع، از ضرورت‌های دیگر است که ساختار تشکیلاتی لغت‌نامه، غلبه دیدگاه سنت‌گرایانه متن‌محور، و مقاومت در برابر پدیده‌های جدید، اجازه نمی‌داد که این اثر به جایگاه اثری ملی با همه ابعاد گسترده آن دست یابد.<sup>[۱۰]</sup>

(۱۰) خلاصه آنکه در مجموع مقدار زمان، نیرو، هزینه، اعتبار و شور و شوقی که در راه تدوین، تکمیل و متمیم این منبع مرجع به کار رفت، با کاربرد و جایگاه آن به‌عنوان اثری ملی تناسب نداشت. اکنون هم اگر لغت‌نامه نتواند همپای نیازهای دستخوش تحول و رو به گسترش پیش برود، و نیز نتواند به نیازهای مرتبط پاسخ بگوید، به‌ناگزیر بیش‌ازپیش به حاشیه رانده خواهد شد.

### ۳.۳ ترجمه دانشنامه اسلام (ئی آی)

ترجمه این دانشنامه به فارسی به ابتکار و با نظارت سیدحسن تقی‌زاده (۱۲۷۵-۱۳۴۹ ه‍.ش/۱۸۹۷-۱۹۷۱ م)، از سران انقلاب مشروطه، دولتمرد، پژوهشگر و از افراد

مؤثر در سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی، در ۱۳۲۷ ه.ش/۱۹۴۹ م آغاز شد. تقی‌زاده که سال‌ها در خارج از کشور به سر برده و با روندها و محفل‌های خاورشناسی و ایران‌شناسی آشنا شده بود، از نخستین کسانی به‌شمار می‌رفت که پی‌برد در دانشنامه اسلام، اثری که در هلند منتشر می‌شود و عده بسیاری از خاورشناسان برجسته با آن همکاری دارند، حق ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی، آن‌گونه که شایسته و بایسته است، در مقایسه با جایگاه سایر کشورهای اسلامی، ادا نشده است. او قصد داشت با ترجمه و تکمیل این دانشنامه، این حق ادا نشده را به جا آورد، اما بر اثر کارشکنی‌ها، حقد و حسدها، رقابت‌های کور و مانع‌های دیگری که بر سر راه او و همکاران باصلاحیت‌اش گذاشتند، مانع‌هایی که همگی از نادانی، کوتاه‌بینی، خودبینی و تحمل‌نکردن دستاوردهای دیگران سرچشمه می‌گرفت، در همان مراحل نخستین کار متوقف شد.<sup>[۱۱]</sup>

### ۴.۳ ایرانشهر

با تصویب کمیسیون ملی یونسکو در ایران در ۱۳۳۴ ه.ش/۱۹۵۶ م، قرار شد کتابی با عنوان *ایرانشهر* درباره تاریخ، فرهنگ، تمدن، اوضاع گذشته و حال ایران، نخست به زبان فارسی و سپس به یکی از زبان‌های خارجی تدوین شود تا هم نیاز جویندگان را برآورده کند و هم وظیفه بین‌المللی ادا شده باشد.<sup>[۱۲]</sup> شاه ایران این تصمیم را تأیید کرد و به وزارت خانه‌ها و سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت دستور داده شد که برای تدوین ایرانشهر هرگونه کمکی که لازم است در اختیار بگذارند.<sup>[۱۳]</sup>

علی اصغر حکمت، مدیر وقت کمیسیون ملی یونسکو در ایران، و سرپرست ایرانشهر در مقدمه‌اش بر این اثر به این نکته‌ها اشاره کرده است (به‌منظور ساده‌ترکردن عبارت‌هایی که در انشای امروز رایج نیست، اشاره‌های او نقل به مضمون می‌شود): (۱) درباره سرزمین ایران کتاب‌ها، مقاله‌ها و رساله‌های گوناگونی نوشته شده است، اما بیشتر اینها پراکنده‌اند و جوینده در یافتن مطالب سرگردان می‌ماند؛ (۲) شماری از این مطالب به راه افراط و تفریط رفته‌اند و دوستی‌ها و دشمنی‌ها با ایران پنهان مانده است؛ (۳) به اثری دانشنامه‌وار نیاز داریم حاوی حقایق محض و به دور از هرگونه افراط و تفریط.<sup>[۱۴]</sup>

### ضرورت تدوین دانشنامه ملی: موانع و چشم‌اندازها (عبدالحسین آذرنگ) / ۱۳

برای تدوین ایران‌شهر شماری از ایران‌شناسان داخلی و خارجی به همکاری دعوت شدند. سرجمع نویسندگان ایرانی که مقاله‌هایشان در دو مجلد ایران‌شهر چاپ شده است، ۳۳ تن؛ سرجمع نویسندگان خارجی، ۷ تن. در مجموع از ۴۰ مؤلف در ایران‌شهر مقاله چاپ شده است.<sup>[۱۵]</sup>

#### ۱.۴.۳ مشکلات ایران‌شهر

- (۱) شماری از مقاله‌ها اصلاً مأخذ ندارند و معلوم نیست بر پایه چه منابعی و با چه کیفیتی نوشته شده‌اند؛
- (۲) در شمار دیگری از مقاله‌ها به صورت نامنظم، نایکدست، و بدون مراعات ضوابط متداول کتاب‌شناختی و ارجاعی، به منابع اندکی در پانوشته‌ها اشاره شده است.
- (۳) در ایران‌شهر تصویرهای بسیاری آمده است، اما سیاست تصویری آن مشخص نیست و توضیح‌های تصویرها نه فقط ناهماهنگ، که گاه مضحک هم از کار درآمده است. به روشنی پیداست که یک ویراستار همه شرح تصویرها را نخوانده است تا آنها را یکدست و هماهنگ کند.
- (۴) ناهماهنگی در روش کار، در ساختار، در رویکرد، در محتوا، و شاید از انصاف دور نباشد اگر گفته شود که در همه جنبه‌های صوری و سایر شئون مقاله‌ها به چشم می‌خورد.
- (۵) بهره‌نبردن از دانش فنی و تجربه ویراستاران و مبانی ویرایش، آن هم درحالی‌که در آن زمان در چند مؤسسه انتشاراتی کشور ویرایش اعمال می‌شد، از عامل‌های دیگر ایجاد تشّت نثری، نگارشی و صوری این اثر است.
- (۶) نداشتن رویکرد دانشنامه‌ای و بی‌توجهی به مبانی دانشنامه‌نگاری در این اثر ملی را جز بر بی‌دقتی، بی‌اطلاعی، بی‌مبالاتی، شلختگی، محدود کردن دامنه همکاری و نظایر آن، شاید نتوان به علت‌های دیگری حمل کرد.
- (۷) نداشتن روش و سیاست واحد برای اختصارات، کوتاه‌نوشت‌ها، نام‌های فشرده، ضبط نام‌ها، اصول استفاده از حروف مختلف در چاپ، روش‌های عنوان‌گذاری و

تقسیمات اصلی - فرعی عنوان‌ها، نحوه ارجاع به پانوشت یا پایان فصل و نظایر متعدد آن از دیگر کوتاهی‌های این اثر است.

۸) مقدمه ایرانشهر شاید از نادلچسب‌ترین مقدمه‌هایی باشد که ممکن است بر اثر مرجعی بنویسند، آن هم اثری که داعیه دار بازنمایی وجوه مختلف فرهنگ و تمدن ایرانی و زبان کهن و استوار فارسی است.

گرداندگان ایرانشهر در زمان خود از امکانات فراوانی برخوردار بودند؛ بودجه، مناسبات، دسترسی به مراکز و افراد مختلف و کانون‌های قدرت و اختیارات. به‌رغم همه اینها، همکاری، هماهنگی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دوراندیشانه، سیاست تکمیل، تصحیح و روزآمدی اطلاعات در کار آنها دیده نمی‌شود. ایرانشهر در مجموع نشانه گویا و پندآموزی از فرصت هدرشده و موقعیت از دست رفته است. اگر همین اثر دانشنامه‌وار با دانشنامه ژاپن<sup>[۱۶]</sup> مقایسه شود که همان هدف ایرانشهر را برای دانشنامه ملی ژاپن داشت، شاید بتوان به کوتاهی‌ها و ندانم‌کاری‌ها بهتر پی برد.

هدف از تدوین دانشنامه ژاپن، انتشار اثری مصور به زبان انگلیسی، حاوی اطلاعات دقیق و دست‌اول در باره آن کشور در جهان از طریق زبان انگلیسی و به قلم برجسته‌ترین متخصصان ژاپنی و غیرژاپنی بود. بیش از ۵۰۰ تن متخصص از ۲۷ کشور غربی دعوت آن دانشنامه را برای همکاری پذیرفتند و در حوزه‌های تخصصی خود حدود ۶۰ درصد مقاله‌های این دانشنامه را نوشتند و ۴۰ درصد بقیه به قلم نزدیک به ۷۰۰ تن از متخصصان خود ژاپن به زبان ژاپنی نوشته و به انگلیسی ترجمه شد، یعنی حدود ۱۲۰۰ متخصص از کشورهای مختلف، افزون بر شمار همکاران در زمینه‌های دیگر، با این دانشنامه ۹ جلدی همکاری کردند.<sup>[۱۷]</sup>

دانشنامه ژاپن بر اثر مراعات‌شدن جنبه‌های فنی دانشنامه‌نگاری، اثری از کار درآمد ساختارمند، روش‌مند، منظم، با سامانه‌های دقیق اصطلاح‌شناختی، کتاب‌شناختی و ارجاعی؛ نیز به منبعی تبدیل شد موثق، معتبر، ماندگار و با قابلیت‌های مختلف؛ از جمله: قابلیت کاربرد، تکمیل، تصحیح، و روزآمدی. در مجموع، این دانشنامه در ردیف دانشنامه‌های معتبر جهان قرار گرفت و منبع مناسبی شد برای کسب اطلاعات پایه در

ضرورت تدوین دانشنامه ملی: موانع و چشم‌اندازها (عبدالحسین آذرنگ) / ۱۵

باره ژاپن. دانشنامه ژاپن از مصداق‌های خوب دانشنامه ملی است، اثری که ایرانشهر نتوانست مصداق آن باشد.

### ۵.۳ دایرةالمعارف فارسی

دانشنامه‌ای همگانی، شامل مقاله‌های ترجمه‌ای و تألیفی، که تدوین آن از حدود نیمه دهه ۱۳۳۰هـ.ش/۱۹۵۲م به ابتکار و پیشنهاد همایون صنعتی‌زاده، مدیر موسسه انتشارات فرانکلین، آغاز شد و پس از حدود ۱۰ سال نخستین مجلد آن از حرف الف تا سین انتشار یافت. سرپرستی این دانشنامه با غلامحسین مصاحب بود.

همایون صنعتی‌زاده مدیری هوشمند، آرمان‌گرا، دورپرواز و به توسعه فرهنگ ملی سخت علاقه‌مند بود. او به یاری هوش سرشار و شمّ فطری به بخشی از اصول و مسائل نشر پی برده، و از راه بازدید از فعالیت‌های انتشاراتی شماری از مؤسسه‌های انتشاراتی بزرگ در خارج از کشور، با بخشی دیگر از اصول و مسائل نشر آشنایی یافته بود. او پس از چند کوشش ناموفق در یافتن سرویراستار برای دانشنامه، سرانجام با غلامحسین مصاحب، استاد ریاضیات، آشنا شد و در همان دیدارهای نخست به هوش، دقت، تیزبینی، جسارت، انضباط فکری، جدیت و سایر توانایی‌های کم‌نظیر او پی برد. پس از دست یافتن به توافق همکاری با وی، بودجه تدوین و انتشار دانشنامه را از محل غیردولتی تأمین کرد و کار آغاز شد.

مصاحب، تجربه‌ای در زمینه دانشنامه‌نگاری نداشت، اما پس از بازدید از چند دانشنامه و فعالیت دانشنامه‌نگاری در چند کشور خارجی، و نیز بررسی‌های دقیقی که خود او درباره ساختار، محتوا و روش‌های دانشنامه‌های مختلف انجام داد، به زیروم فنون دانشنامه‌نگاری پی برد و سپس با اعمال دقت‌های علمی، روش‌مندی و ریزبینی، اثری را سرپرستی کرد که حاصل کار نه تنها به پدیده‌ای تا آن زمان بی‌مانند در زبان فارسی، بلکه به دانشنامه‌ای کم‌نظیر در سراسر کشورهای درحال توسعه تبدیل شد؛ درعین حال شالوده دانشنامه‌نگاری جدید را هم در ایران پایه‌ریزی کرد. با آنکه سال‌ها از درگذشت مصاحب می‌گذرد و دانشنامه‌های فراوانی در کشور انتشار یافته است، هنوز تا این زمان سرپرستی همتای مصاحب و با دقت‌های کم‌مانند او به عرصه ظهور نیامده است.

دایرة المعارف فارسی در ۳ مجلد، با بیش از ۵۰ هزار مقاله، بخشی ترجمه، ترجمه و تلخیص، ترجمه همراه با تکمله، و بخشی تألیف کامل، و گاه تألیف مبتنی بر پژوهش بار نخست، در فاصله زمانی تقریباً ۳۰ ساله، از ۱۳۴۵-۱۳۷۴ ه.ش/ ۱۹۶۷-۱۹۹۶ م، انتشار یافت. تدوین و نشر این دانشنامه اگر به سرپرستی و با شیوه کار مصاحب ادامه می‌یافت و سپس با نظارت واحدی مسئول، اصول و مراحل بازنگری و روزآمدی در آن اعمال می‌شد، کشور ما برای نخستین بار از دانشنامه‌ای ملی و نسبتاً مختصر، اما در عین حال موثق و قابل اعتماد، برخوردار می‌شد، اما چنین نشد به این دلایل:

۱) پس از حدود ۱۵ سال که از فعالیت دانشنامه‌نگاری مصاحب گذشته و او تا آخر حرف «غ» را سرپرستی کرده بود، کودتای خزنده‌ای در موسسه انتشارات فرانکلین روی داد، رئیس تازه‌ای بر سر کار آمد که هیچ‌یک از هدف‌ها و انگیزه‌های همایون صنعتی زاده را نداشت؛ در نتیجه، ادامه کار برای مصاحب ناممکن، و دایرة المعارف فارسی بی‌سرپرست رها شد.

۲) پس از مدتی وقفه، سرپرست دیگری برای ادامه کار تعیین کردند و او کوشید به همه ضوابط مصاحب پایبند بماند، اما دست یافتن به آن سطحی که مصاحب هوشیارانه در اعتلا نگاه می‌داشت، امکان‌پذیر نشد.

۳) این دانشنامه نیک‌آغاز بدفرجام که چندبار دست‌به‌دست گشته، به ناگزیر دستخوش ناهمسازی شده و بی‌تناسبی و بی‌توانی به مجلدات سه‌گانه آن راه یافت.

۴) مصاحب به مرور و در حین کار پی‌برد که برای رسیدن به حالت مطلوب در دانشنامه، نسبت متوازن میان تألیف و ترجمه ضرورت دارد، اما به سادگی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا تربیت پژوهشگران برای تألیف مقاله‌هایی که با اصول و ساختارهای دانشنامه‌ای سازگاری داشته باشد، به زمان، نظارت مداوم، ویراستاری‌های متعدد و حتی بازآرایی و بازنگاری مقالات نیاز دارد. از این روست که مقاله‌های تألیفی حروف «س» تا «غ» در مجلد دوم، با مقاله‌های مشابه در مجلد یکم تفاوت سطح و حجم دارد. مقاله‌های تألیفی «غ» تا «ی» را هم که مصاحب سرپرستی نکرده است. او پس از به پایان بردن مجلد نخست و بر پایه تجربه‌ای که طی حدود ۱۰ سال



### ضرورت تدوین دانشنامه ملی: موانع و چشم‌اندازها (عبدالحسین آذرنگ) / ۱۷

به دست آمده بود، بر آن شد روشی را تا پایان حرف «ی» در پیش بگیرد که در حروف «ش» تا «غ» اعمال کرده است. قصد دیگر این بود که در بازنگری‌ها و روزآمدی‌های بعدی در مجلد یکم هم تجدید نظر شود تا دایرةالمعارف فارسی سرانجام به اتکای آزمون و خطاها و تجربه‌های مکرر و متمادی، به دانشنامه‌ای با معیارهای همسان و هماهنگ تبدیل شود، اما این هدف، که همکاران مصاحب بهتر از دیگران می‌دانند چه بهای سنگینی برای آن پرداخت شده است، بر اثر همان کودتای خزنده‌ای که به آن اشاره شد، تحقق نیافت و کشور دانشنامه نگاری بزرگ و اثری بالقوه منحصربه‌فرد را از دست داد.

۵) دایرةالمعارف فارسی را می‌توان در شمار طرح‌های بنیادی جوانمرگ شده قرار داد. چند کوشش از چند سو برای احیا و تداوم این دانشنامه و تبدیل آن به دانشنامه‌ای ملی نافرجام ماند. دولت‌ها و دولتمردان حمایت نکردند. سیاست‌گذاران و برنامه ریزان فرهنگی دریافتند که دانشنامه ملی موثق و معتبر چه تأثیر عمیقی بر آموزش و پژوهش کشور و روندهای اطلاع‌جویی و اطلاع‌یابی می‌گذارد، و به‌طور غیرمستقیم در کاهش هزینه‌هایی در این زمینه‌ها تا چه اندازه می‌تواند مؤثر باشد.

۶) باین حال، و به‌رغم همه اینها، حتی هنوز هم دیر نشده است. اگر تشکیلاتی دانشنامه‌ای برای احیا، تداوم و روزآمدی این اثر پرافتخار، و با سرپرستی دانشنامه‌نگاری صاحب‌صلاحیت به وجود آید و از همه دستاوردهای مصاحب به‌درستی استفاده شود، شاید کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین راه به مقصد تدوین دانشنامه‌ای ملی به زبان فارسی برای آیندگان این مرز و بوم باشد.<sup>[۱۸]</sup>

### ۶.۳ دانشنامه ایران و اسلام

تدوین و انتشار این دانشنامه، از طرح‌های بنگاه ترجمه و نشر کتاب به سرپرستی احسان یارشاطر و در ادامه کوشش نافرجام سیدحسن تقی‌زاده و همکاران او در ترجمه دانشنامه اسلام (ئی آی) بود. شماری از کشورهای اسلامی به ترجمه دانشنامه اسلام به زبان‌های بومی خود دست‌زده بودند، که از میان آن‌ها ترک‌ها در ترکیه و پاکستانی‌ها

موفق شده بودند این دانشنامه را به زبان های ترکی استانبولی و اردو ترجمه و منتشر کنند؛ و حتی در موارد لازم بر ترجمه ها تکمله هایی هم بیفزایند. احسان یارشاطر، با تسلطی که به زبان های ایران باستان، فرهنگ و تمدن ایران پیش از اسلام، ادبیات کهن فارسی، فرهنگ و تمدن دوره اسلامی، و نیز آشنایی با روش های پژوهشی جدید و دانشنامه های غربی داشت، کوشید دانشنامه اسلام (ئی آی) به فارسی ترجمه شود و مطالب مربوط به ایران و فرهنگ ایرانی در دوره اسلامی و تشیع را در قالب دانشنامه ای متناسب به همان دانشنامه، تألیف، و اطلاعات ناقص یا نادرست آن دانشنامه هم تصحیح شود. او و همکارانش با توجه به تجربه های گذشته و کامیابی ها و ناکامی ها، تا جای ممکن همه جوانب کار را در نظر گرفتند. نخستین دفتر دانشنامه ایران و اسلام پس از چند سال کوشش و با همکاری شماری از برجسته ترین مترجمان، مؤلفان و ویراستاران کشور در ۱۳۵۴ هـ.ش/۱۹۷۶ م، انتشار یافت و جمعاً ۹ دفتر در حرف «الف» تا زمان انقلاب به تدریج منتشر شد، اما در رویدادهای انقلاب به سبب انحلال بنیاد پهلوی که تشکیلات این دانشنامه به آن وابسته بود، انتشار دانشنامه ایران و اسلام متوقف شد. با این حال، همان چند دفتر انتشار یافته از آن دانشنامه، به لحاظ ارزش های پژوهشی و دانشنامه ای، شمار مقاله های خوش تألیف، ترجمه هایی که به خوبی ویراسته شده و دقت ها و انضباط هایی که به کار رفته بود، بر روند دانشنامه نگاری ایران در دوره پس از انقلاب تأثیر گذاشت.

احسان یارشاطر با سرپرستی بر تدوین و انتشار دانشنامه ایرانیکا (آی آر) در خارج از کشور، بهره وری از همکاری گسترده شمار بسیاری از برجسته ترین ایران شناسان و پژوهشگران در کشورهای مختلف، و با مراعات کردن معیارهای جهانی دانشنامه نگاری، توانست درباره فرهنگ، تمدن ایرانی و میراث زبان و ادب فارسی، دانشنامه ای تخصصی به زبان انگلیسی منتشر کند. او گستره پهناور ایران فرهنگی را با همه تنوع آن، در این دانشنامه به دقت در نظر گرفت. تدوین و انتشار این دانشنامه پس از درگذشت احسان یارشاطر نیز ادامه دارد و اگر روزی این دانشنامه به زبان فارسی ترجمه و منتشر شود، سهم مؤثری در تکوین و تکامل دانشنامه ای ملی به زبان فارسی خواهد داشت. کوششی هم برای ترجمه این دانشنامه به فارسی آغاز شده بود و شماری

ضرورت تدوین دانشنامه ملی: موانع و چشم‌اندازها (عبدالحسین آذرنگ) / ۱۹

از مقاله‌های ترجمه‌شده هم انتشار یافت، اما وجود مخالفت‌هایی با یارشاطر و آن دانشنامه، راه را بر ترجمه کامل دانشنامه ایرانیکا بست.<sup>[۱۹]</sup>

#### ۴. دانشنامه‌نگاری پس از انقلاب

دانشنامه‌نگاری و انتشار دانشنامه پس از انقلاب به دور تازه‌ای راه یافت. تدوین، ترجمه و انتشار شمار فراوانی دانشنامه، اعم از همگانی و تخصصی، که شمار کمی از آنها از پشتوانه سازمانی و تشکیلاتی برخوردار بودند و شمار بسیاری دیگر به فرد یا افراد متکی بودند، و نیز تدوین و انتشار چندین فرهنگ دانشنامه‌وار، از دهه ۱۳۶۰ ه.ش/۱۹۸۲ م، آغاز شد. بنا به برآوردهای نگارنده، جمعاً عده‌ای بیش از ۲۰۰۰ تن به صورت‌های مختلف از اوایل دهه ۱۳۶۰ ه.ش/۱۹۸۲ م تا پایان دهه ۱۳۸۰ ه.ش/۲۰۰۲ م، با این دانشنامه‌ها و فرهنگ‌های دانشنامه‌وار و فرهنگواره‌ها همکاری داشته‌اند که به سهم خود رقم بی‌سابقه‌ای در ایران و در کشورهای هم‌تراز است. از میان این عده دست کم حدود ۵ درصد، یا شاید اندکی کم و بیش، تا بدان حد به فنون و شگردهای دانشنامه‌نگاری دست یافته‌اند که اگر به منابع لازم و کافی دسترسی داشته باشند، می‌توانند در مقام دانشنامه‌نگار حرفه‌ای با دانشنامه‌های مختلف همکاری کنند. در واقع می‌توان گفت که طی همان دهه‌ها فنون دانشنامه‌نگاری در ایران بومی شده است و افزون‌براین، آشنایی لازم با مبانی تدوین منابع مرجع هم به دست آمده است. فقط نگاهی به صورت الفبایی شماری از دانشنامه‌های غیرتخصصی انتشاریافته و در دست انتشار، نه علمی - تخصصی محض، اعم از دانشنامه‌های تألیفی، ترجمه‌ای و تلفیقی، که بخش‌هایی از آنها در دامنه موضوعی دانشنامه‌ای ملی قرار می‌گیرند، نشان می‌دهد که موج دانشنامه‌نگاری در ایران بی‌سابقه بوده و هیچ‌یک از کشورهای هم‌پایه ایران از جنبه فرهنگی، این همه دانشنامه نداشته‌اند. به عنوان‌های زیر نگاه کنیم:

دانشنامه ادب فارسی (شامل ادبیات فارسی در ایران، افغانستان، آسیای مرکزی، شبه‌قاره هند، قفقاز، عثمانی و صفحاتی از سرزمین‌های عربی که زبان فارسی در آنها رواج داشته است)؛ دانشنامه ادبیات جهان؛ دانشنامه اقوام مسلمان؛ دانشنامه ایران؛ دانشنامه ایرانیان ارمنی؛ دانشنامه تاریخی فارس؛ دانشنامه تهران بزرگ؛ دانشنامه جهان

اسلام؛ دانشنامه خلیج فارس؛ دانشنامه دانش گستر؛ دانشنامه زبان و ادب فارسی؛ دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند؛ دانشنامه زنان؛ دانشنامه سیاسی؛ دانشنامه شمیرانات؛ دانشنامه فرهنگ مردم ایران؛ دانشنامه مزدیسنا؛ دانشنامه مطبوعات ایران؛ دانشنامه‌های استانی. دائرةالمعارف آستان قدس رضوی؛ دائرةالمعارف آموزش عالی؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی؛ دائرةالمعارف تشیع؛ دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی؛ دائرةالمعارف جهان نوین اسلام؛ دائرةالمعارف سازهای ایرانی؛ دائرةالمعارف قرآن؛ دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع رسانی؛ فرهنگ آثار؛ فرهنگنامه زنان ایران و جهان؛ فرهنگنامه کودکان و نوجوانان؛ فرهنگنامه ناموران معاصر ایران؛ و شماری دیگر.

افزونی شمار دانشنامه‌ها، که به زعم عده‌ای حتی مبالغه‌آمیز یا فراتر از ظرفیت علمی- پژوهشی و امکانات اسنادی و کتابخانه‌ای کشور به نظر می‌رسد، علت‌های بسیاری دارد که شاید بتوان به برخی از آن‌ها اشاره کرد؛ از جمله:

- برانگیخته شدن انگیزه‌هایی که معمولاً پس از هر انقلابی بروز می‌کنند؛  
- میل به استقلال و پیشرفت در همه زمینه‌ها، به‌ویژه در عرصه‌های علمی و فنی و پژوهشی؛

- توسعه‌خواهی و غلبه بر عامل‌های توسعه‌نیافتگی؛

- دستیابی به استقلال علمی و فکری؛

- احساس‌های رقابت‌جویانه و برابری‌خواه، به‌ویژه با کشورهای مشابه؛

- احراز هویت ملی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
- اوضاع و احوال کشور، از جمله؛ انقلاب فرهنگی، تعطیل شدن دانشگاه‌ها، بیکار شدن

شماری از استادان، پژوهشگران، مؤلفان، مترجمان و ویراستاران؛

- به کارگرفتن نیروهای توانای بیکار شده و میل شدید در عده‌ای که توانایی علمی-

پژوهشی آنها در محیط‌های دانشگاهی، پژوهشگاهی و آموزشی نادیده گرفته شده

بود؛

## ضرورت تدوین دانشنامه ملی: موانع و چشم‌اندازها (عبدالحسین آذرنگ) / ۲۱

- اعطای یارانه‌های دولتی به شماری از دانشنامه‌های همسو با سیاست‌های فرهنگی کشور و امکانی که دانشنامه‌ها تا مدتی برای جذب شماری از نخبگان به همکاری داشتند؛

- و چندین و چند عامل دیگر که دست‌به‌دست داد و موجی را در دانشنامه‌نگاری پس از انقلاب به راه انداخت که اگر عنوان «دوره جنبش دانشنامه نگاری در ایران» بر آن بگذاریم، شاید مبالغه نکرده باشیم.

جنبش دانشنامه‌نگاری، در عین حال که برای شمار قابل توجهی از جوانان علاقه‌مند به فعالیت‌های پژوهشی امکاناتی برای آموختن فنون تدوین و استفاده از منابع مرجع فراهم ساخت، دوره شکوفایی خود را در دهه‌های ۱۳۶۰هـ.ش/۱۹۸۲م. و ۱۳۷۰هـ.ش/۱۹۹۲م، سپری کرد، اما با افزایش شمار دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها، نشریه‌های تخصصی و عمومی، و گسترش برنامه‌های آنها، از اوایل دهه ۱۳۸۰هـ.ش/۲۰۰۲م از دامنه فعالیت دانشنامه‌نگاری کاسته شد و پس از کاهش و قطع یارانه‌های دولتی به دانشنامه‌های همسو با سیاست‌های فرهنگی دولت از حدود اوایل دهه ۱۳۹۰هـ.ش/۲۰۱۲م، رکود نسبی و گاه نیز افول شماری از دانشنامه‌ها، حتی تا مرز تعطیل شدن، آغاز شد.

اکنون (زمستان ۱۳۹۷هـ.ش/۲۰۱۹م) چشم‌انداز روشنی برای فعالیت‌های دانشنامه‌نگاری دیده نمی‌شود، اما چنانچه روزی دولت بتواند یارانه‌های قطع شده یا کاهش یافته را از نو برقرار کند و نیز اطمینانی بدهد که آینده حرفه‌ای دانشنامه‌نگاران با تهدید روبه‌رو نخواهد شد، زیرساخت‌های دانشنامه‌نگارانه دوباره فعال خواهد شد و احتمال دارد روند دانشنامه‌نگاری با اندرزگرفتن از گذشته و استفاده از تجربه‌های پیشین، به گونه مؤثرتری در خدمت تدوین و انتشار دانشنامه‌ای ملی قرار بگیرد.

از میان دانشنامه‌های یادشده، دانشنامه ایران، که مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی مسئولیت تدوین و انتشار آن را برعهده دارد، بیش از همه، استعداد و ظرفیت بالقوه تبدیل شدن به دانشنامه‌ای ملی را داشت. مجلد نخست آن در ۱۳۸۴هـ.ش/۲۰۰۶م و مجلد چهارم آن، از ۳۰ مجلد پیش‌بینی شده، در ۱۳۹۳هـ.ش/۲۰۱۵م انتشار یافت. مجلد سوم که از همکاری ویرایشی دقیق‌تری برخوردار شد، این نوید را داد که دانشنامه ایران

بهتر از پیش به هدف‌های انتشارش دست یابد، اما این دانشنامه که شمار قابل توجهی از مقاله‌های تألیف و ترجمه شده آن آماده است، به سبب قطع یارانه‌های دولتی، در حالتی از رکود نزدیک به توقف قرار گرفته است.<sup>[۲۰]</sup>

دانشنامه دانش‌گستر از سوی موسسه علمی- فرهنگی دانش‌گستر، متعلق به خانواده سودآور، در ۱۸ مجلد در ۱۳۸۹ ه.ش/ ۲۰۱۱ م انتشار یافت، اثری مشتمل بر حدود ۶۰ درصد ترجمه از دانشنامه‌ای مختصر به زبان انگلیسی و ۴۰ درصد تألیف مقاله‌های کم‌حجم. گردانندگان این اثر قصد داشتند آن را به دانشنامه‌ای همگانی، پرکاربرد و قابل استفاده برای عموم تبدیل کنند. اگر نکات زیر در بازچاپ‌های بعدی این اثر اعمال شود، این استعداد در دانشنامه دانش‌گستر هست که به دانشنامه‌ای همگانی با مدخل‌های فراوان و مقاله‌های کوتاه تبدیل شود و یکی از منابع قابل استفاده در تدوین دانشنامه‌ای ملی باشد:

- اعمال دقت‌ها و فنون خاص دانشنامه‌ای؛
- همکاری دانشنامه‌نگاران باتجربه و مؤلفان معتبر؛
- ویراستاری متناسب با دانشنامه پرمدخل و بسیار متنوع؛
- دوری‌گزیدن از سیاست آسان‌گیرانه‌ای که در چاپ اول و به قصد سرعت عمل در تدوین و انتشار پیش گرفته شد؛
- سرپرستی واحد و مدیریت دانشنامه‌نگاری که اهلیت لازم و کافی را داشته باشد؛
- و نیز نکات دیگری که، افزون بر جنبه‌های محتوایی، به جنبه‌های کاملاً صوری مربوط می‌شود.

تاجایی که نگارنده جست‌وجو کرده، هیچ شاهدهی به‌دست نیامده است که سازمان‌های دانشنامه‌ای و پژوهشی تاکنون این دانشنامه را به‌عنوان مرجعی قابل‌استناد پذیرفته باشند. درباره کاربرد عمومی و موفقیت‌آمیز آن هم شاهدهی به‌دست نیامده است.<sup>[۲۱]</sup>

## ۵. دانشنامه ملی

با توجه به تجربه‌ها و کامیابی‌ها و ناکامی‌های نسبی چند اثر که به آن‌ها اشاره شد، در تدوین دانشنامه ملی، شاید نتوان از نکته‌های زیر به‌سادگی گذشت:

## ضرورت تدوین دانشنامه ملی: موانع و چشم‌اندازها (عبدالحسین آذرنگ) / ۲۳

- هیچ کشوری مسئول گردآوری و تدوین اطلاعات جامع و دقیق در باره کشوری دیگر نیست. کشورهای که به پژوهش و بررسی درباره کشورهای دیگر دست می‌زنند، در بهترین و بی‌طرفانه‌ترین حالت، از فرضیه‌های شناختی آغاز می‌کنند که با سیاست‌ها و اولویت‌های پژوهشی خود آنها سازگاری دارد. پژوهشگران و ناشران آزاد که به تدوین و انتشار این‌گونه آثار روی می‌آورند، هدف‌ها یا مصالح حرفه‌ای و منافع خود را دنبال می‌کنند.
- تدوین و انتشار دانشنامه ملی، که بتواند اساسی‌ترین وجوه فرهنگی، تمدنی، تاریخی و هویتی کشوری را مستنداً و مستدلاً نشان دهد، از الزامات و اولویت‌های سیاست ملی و فرهنگی هر کشوری است. برای ارائه تعریف‌ها و بازتعریف‌ها، به‌ویژه در زمینه‌های مناقشه‌برانگیز، دانشنامه ملی هم از مهم‌ترین و معتبرترین منابع پایه است.
- تعریفی که از دانشنامه ملی همگانی به‌دست داده و دامنه‌ای که برای آن تعیین می‌شود، شاخص‌گویی از شناخت کشور درباره خود و تعیین جایگاه خود، هم در مجموعه‌های معرفتی و علمی، و هم در مجموعه‌های ارزشی است. هیچ اثری نمی‌تواند مانند این دانشنامه مرزهای هویت ملی را با دقت و وسواس لازم تعیین کند. این وظیفه و نقش حساس با مجموعه همه سیاست‌های کشور در عرصه‌های مختلف هم پیوند اندام‌وار دارد. به‌همین دلیل ضروری است کسانی را در مسند مدیریت یا در شورای راهبردی این‌گونه از دانشنامه بگذارند که از وسعت اطلاعات، دیدگاه همه‌سونگر و جامعیت برخوردار باشند.
- نشان دادن و به‌اثبات رساندن جایگاه ملی، مستلزم بهترین استفاده ممکن از ظرفیت‌های علمی-پژوهشی کشور، جلب همکاری مبرزترین دانشنامه‌نگاران، متخصصان، پژوهشگران، مؤلفان، مترجمان، ویراستاران، و سایر عناصر مولد فنی و هنری تولید منابع کاغذی و الکترونیکی و چندرسانه‌ای است. از این‌رو دانشنامه‌ها، و به‌طور کلی منابع مرجع پایه در زمینه‌های مختلف، به‌سان آئینه شفاف، نشان‌دهنده

توانایی های آفرینش گرانه، پژوهشگرانه، هنرمندانه، و نیز توان مدیریت راهبردی فرهنگی کشور هستند.

- تدوین و انتشار هر اثر مرجع با کاربرد گسترده، به ویژه دانشنامه همگانی ملی، بهترین فرصت و مناسب ترین وسیله برای انتخاب استانداردها و معیارها در زمینه های مختلف، مانند تلفظ نامها، املاهای واژهها، شیوه خط، اختصارها و کوتاه نوشتها، ضوابط کتاب شناختی و ارجاع، معیارهای ویرایش و نظایر آن، رواج آنها در سطح ملی و تثبیت آنهاست. دولت هایی که به دانشنامهها یارانه می پردازند، اگر به این نقش بنیادی دانشنامهها آگاه باشند، می دانند که تعیین، تثبیت، تحکیم و ترویج استانداردها تا چه حد بر آموزش و پژوهش تأثیر می گذارد و تا چه میزان از دوباره کاری، صرف هزینهها و اتلاف زمان می کاهد. دولتی که بتواند سیاست تدوین و انتشار منابع مرجع و دانشنامهها را در چارچوب سیاستهای فرهنگی خود، و مهم تر از آن در چارچوب سیاست ملی، درست تشخیص و جای دهد، به تسهیل سیاستهای آموزشی و پژوهشی خود کمک کرده است. هدف مندرکدن یارانهها در این زمینه می تواند به این معنا هم باشد که دولت در ازای پرداخت یارانه به دانشنامهها، باید بکوشد نقش آنها را در تعیین و ترویج استانداردها درست بشناسد و حتی پرداختن یارانه به دانشنامهها را به ایفای درست این نقش موکول یا مشروط کند.
- ترویج استانداردها همگرایی به بار می آورد و از بار تنشهای ناشی از اختلاف سلیقههای بی حاصل و درعین حال پرهزینه می کاهد. اگر مقدار زمان، نیرو و هزینه ای که از دوره انقلاب مشروطه تاکنون صرف بحث و جدل بر سر شیوه خط فارسی شده، محاسبه، و ارزش مادی آن برآورد شود، تخمیناً از بودجه سالانه بعضی از کشورهای جهان بیشتر است.



## ضرورت تدوین دانشنامه ملی: موانع و چشم‌اندازها (عبدالحسین آذرنگ) / ۲۵

- دانشنامه ملی نه تنها به بارزترین استعداد‌های بالفعل کشور امکان بروز می‌دهد، بلکه در بلندمدت زمینه را برای بروز و شکفتن استعداد‌های نهفته، ناشناخته و بالقوه هم فراهم می‌آورد.
- زبان معیار، که دست‌یابی به وفاق عمومی بر سر آن اصلاً کار ساده‌ای نیست، هیچ‌گونه‌ای بهتر از دانشنامه ملی ندارد. با جلب همکاری برجسته‌ترین ویراستاران کشور، کسانی که تسلط حرفه‌ای و ذوق زبانی آنها شناخته شده است، می‌توان نثری را پروراند و در دانشنامه ملی عرضه داشت که سرمشق آموزش رسمی نثرنویسی در زمینه‌های دیگر قرار بگیرد.
- دانشنامه ملی درعین حال می‌تواند بهترین الگو برای گونه‌های مختلف ویرایش، از ویرایش‌های محتوایی، ساختاری، استنادی، تصویری گرفته تا ویرایش‌های زبانی، ادبی و صوری باشد.
- سرپرستی دانشنامه ملی و نیروهایی که این اثر را به ثمر می‌رسانند، در عمل به تجربه‌ای دست می‌یابند که به‌منزله ذخیره‌ای ارزشمند برای تدوین و انتشار سایر منابع مرجع است و در شمار اندوخته ثروت‌های ملی به شمار می‌آید.
- مقایسه دانشنامه‌های ملی کشورهای مختلف سنجه‌ای برای آشنایی با رویکردهای متفاوت دانشنامه‌نگاری، نگرش‌ها و رویکردها و روش‌ها، سطح دانش، پژوهش، هنر، ذوق و سلیقه، فن، مدیریت فرهنگی، توان فنی در چاپ و نشر کاغذی یا تولید الکترونیکی آنهاست. اگر روزی دانشنامه‌ای ملی و همگانی به زبان فارسی انتشار بیابد و در کنار دانشنامه‌هایی چون آمریکانا، اینکارتا، بروکهاوس، بریتانیکا، کلمبیا، گیل، لاروس و دانشنامه‌های اسپانیا، ایتالیا، ترک، ژاپن، روسیه و نظایر آن قرار بگیرد، جهان می‌تواند در باره این دانشنامه همان‌گونه داوری کند که ما دانشنامه‌های ملی کشورهای جهان را کنار هم می‌گذاریم، جنبه‌های مختلف آنها را باهم می‌سنجیم و درباره آنها داوری می‌کنیم.

- آخر از همه، نه کمتر از همه، اثری که حاصل همکاری مشترک نخبگان کشور باشد و بتواند مرجع فصل الخطاب در زمینه‌های زیر پوشش خود قرار بگیرد، از بزرگ‌ترین دستاوردهای ملی، از برجسته‌ترین ثمرات فرهنگی و از ماندگارترین میراث‌هایی است که نسلی به نسل‌های بعدی خود منتقل می‌کند، و چه بسا شالوده سنتی را بنا بگذارد که غنا یافتن و تکمیل آن از هدفمندترین، دامنه‌دارترین و دورنگرانه‌ترین تکاپوهای فرهنگی کشور است. نسلی که این وظیفه خطیر را برعهده بگیرد و درست به ثمر برساند، دین خود را به گذشتگان و آیندگان به‌خوبی ادا کرده است.

### پی‌نوشت‌ها

- [۱]. برای جزئیات بیشتر، نک: Busseh, H. " Abbas Mirza". In: *Encyclopedia Iranica*, US, 1985, vol. 1. pp.79ff.
- [۲]. برای تفصیل بیشتر، نک: ناطق، هما، *ایران در راهیابی فرهنگی: ۱۸۲۸-۱۸۴۸م*، لندن، ۱۹۸۸م، ص ۱۰۶ به بعد.
- [۳]. در این باره، نک: آدمیت، فریدون، *امیرکبیر و ایران*، چ ۷، تهران، ۱۳۵۴ش، ص ۳۷۹-۳۸۳.
- [۴]. برای اطلاعات بیشتر، نک: *مجموعه مقاله‌های اولین همایش سراسری دانشنامه‌نویسی در ایران...*، تهران، ۱۳۸۹ش.
- [۵]. درباره اعتضادالسلطنه، نک: یغمایی، اقبال، «علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه نخستین وزیر علوم»، *ماهنامه آموزش و پرورش*، سال ۳۷، ش ۹ و ۱۰ (۱۳۴۶ش).
- [۶]. درباره اعتضادالسلطنه، نک: قاسمی، سید فرید، *مشاهیر مطبوعات ایران: اعتمادالسلطنه*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹ش. البته در باب تألیفات و ترجمه‌هایی که به نام اعتضادالسلطنه ثبت شده است، بحث‌ها و تردیدهایی وجود دارد که در این‌جا مجال پرداختن به آن‌ها نیست، اما کتاب *خاطرات او*، گنجینه‌ای کم‌مانندی از اطلاعات گاه منحصر به فرد، بر توانایی قلمی و تیزبینی‌های او دلالت می‌کند.
- [۷]. برای اطلاعات بیشتر در این باره، نک: وبگاه <https://icps.ut.ac.ir>.
- [۸]. درباره جنبه واژگانی لغت‌نامه بررسی و نقدهای بسیاری نوشته و منتشر شده است. برای بررسی و نقدی معتدل و ملایم، نک: صادقی، علی اشرف، «شیوه‌های فرهنگ‌نویسی در لغت‌نامه دهخدا»، *ویژه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، ش ۲ (۱۳۸۸ش).
- [۹]. مقایسه کنید مقاله‌های «باخ»، «بتهوون»، «چایکوفسکی» و «موزار» را در لغت‌نامه.

## ضرورت تدوین دانشنامه ملی: موانع و چشم‌اندازها (عبدالحسین آذرنگ) / ۲۷

[۱۰]. یکی از پژوهش‌گران و مولفان شناخته‌شده‌ای که مدتی با *لغت‌نامه* همکاری داشت - نام نمی‌برم - می‌گفت با افزودن واژه «بر قدرت» به *لغت‌نامه*، برای مثال، که پیشنهاد او بود، مخالفت شد؛ به این دلیل که این ترکیب در متون کهن نیامده است.

[۱۱]. روایت‌های دست‌اولی را در این باره شخصاً از دو همکار نزدیک سیدحسین تقی‌زاده شنیده‌ام، از استاد عباس زریاب خوبی و استاد عبدالحسین نوایی، اما چون نام بردن از کارشکنان و سنگ‌اندازها فعلاً مجاز نیست، نقل کامل آن دو روایت به ناگزیر به آینده موکول می‌شود.

[۱۲]. *ایران‌شهر*، ج ۱، مقدمه، ص «ط».

[۱۳]. همان جا.

[۱۴]. همان، ط «ز» و «ح».

[۱۵]. نک: *ایران‌شهر*، ج ۱، مقدمه.

[16]. *Kodansha Encyclopedia of Japan*, Tokyo, Kodansha, 1983.

[17]. *Ibid*, Introduction, p.1.

[۱۸]. اطلاعات مربوط به *دائرةالمعارف فارسی* در این جا مبتنی است بر: مشاهدات مستقیم و اطلاعات شخصی نویسنده این مقاله و گفت‌وگو با شادروانان استاد غلامحسین مصاحب، همایون صنعتی‌زاده، عبدالرحیم جعفری و کریم امامی. در ضمن، نویسنده دوبار در دو ماموریت جداگانه برای احیای *دائرةالمعارف فارسی*، به ناگزیر در جریان جزئیات بسیاری در خصوص این دانشنامه قرار گرفته است.

[۱۹]. برای اطلاعات بیش‌تر می‌توانید نگاه کنید به: *دفترهای دانشنامه ایران و اسلام*، مجلدات *Encyclopedia Iranica*، و به‌ویژه مقدمه‌های این دو اثر.

[۲۰]. مطالب این بخش از مقاله هم مبتنی بر مشاهدات و اطلاعات شخصی نویسنده مقاله است.

[۲۱]. نگارنده در مراحل آغازین این دانشنامه مدتی با سمت مشاور همکاری داشت، اما به سبب اختلاف نظری که بر سر مسائلی چون رویکرد دانشنامه‌ای، شیوه کار، چگونگی سرپرستی و اداره دانشنامه میان چندتن از همکاران با مسئولان بروز کرد، رشته آن همکاری گسیخت.

## کتاب‌نامه

آدمیت، فریدون (۱۳۵۴). *امیرکبیر و ایران*، ج ۷، تهران: خوارزمی.  
اکبری، منوچهر (۱۳۸۹). *مجموعه مقالات اولین همایش سراسری دانشنامه‌نویسی در ایران: گذشته، حال و آینده*، تهران: بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران.

حکمت، علی‌اصغر (۱۳۴۲). *ایران‌شهر*، تهران: چاپخانه دانشگاه.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۸). «شیوه‌های فرهنگ‌نویسی در لغت‌نامه دهخدا»، *فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، ش ۲.

قاسمی، سیدفرید (۱۳۷۹). *مشاهیر مطبوعات ایران: اعتمادالسلطنه*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

ناطق، هما (۱۳۶۸=۱۹۹۰). *ایران در راهیابی فرهنگی ۱۸۴۸-۱۸۳۴*، پاریس: خاوران.

یغمایی، اقبال (۱۳۴۶). «علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه نخستین وزیر علوم»، *آموزش و پرورش*، س ۳۷، ش ۱۰ و ۹.

۲۸ / مطالعات دانشنامه‌نگاری، سال اول، دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه، ذیل مدخل «باخ»، «بتھون»، «چایکوفسکی»، «موزار»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
Busseh, H. (1985), "Abbas mirza", *Encyclopedia of Iranica*, vol.1, NewYork  
Encyclopedia Iranica Founddation.

*The Kodansha Encyclopedia of Japan*, (1983).

<https://icps.ut.ac.ir>

